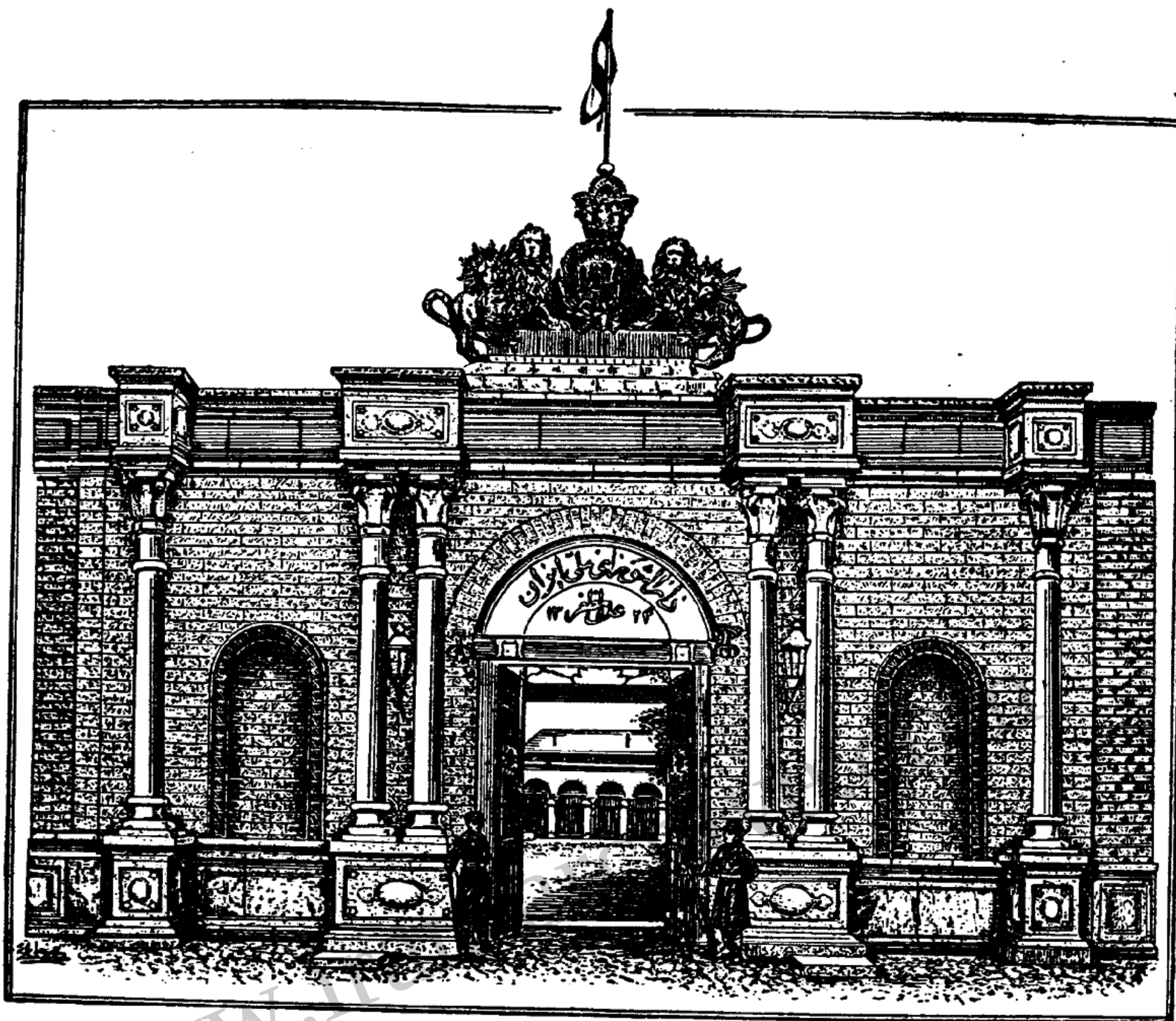


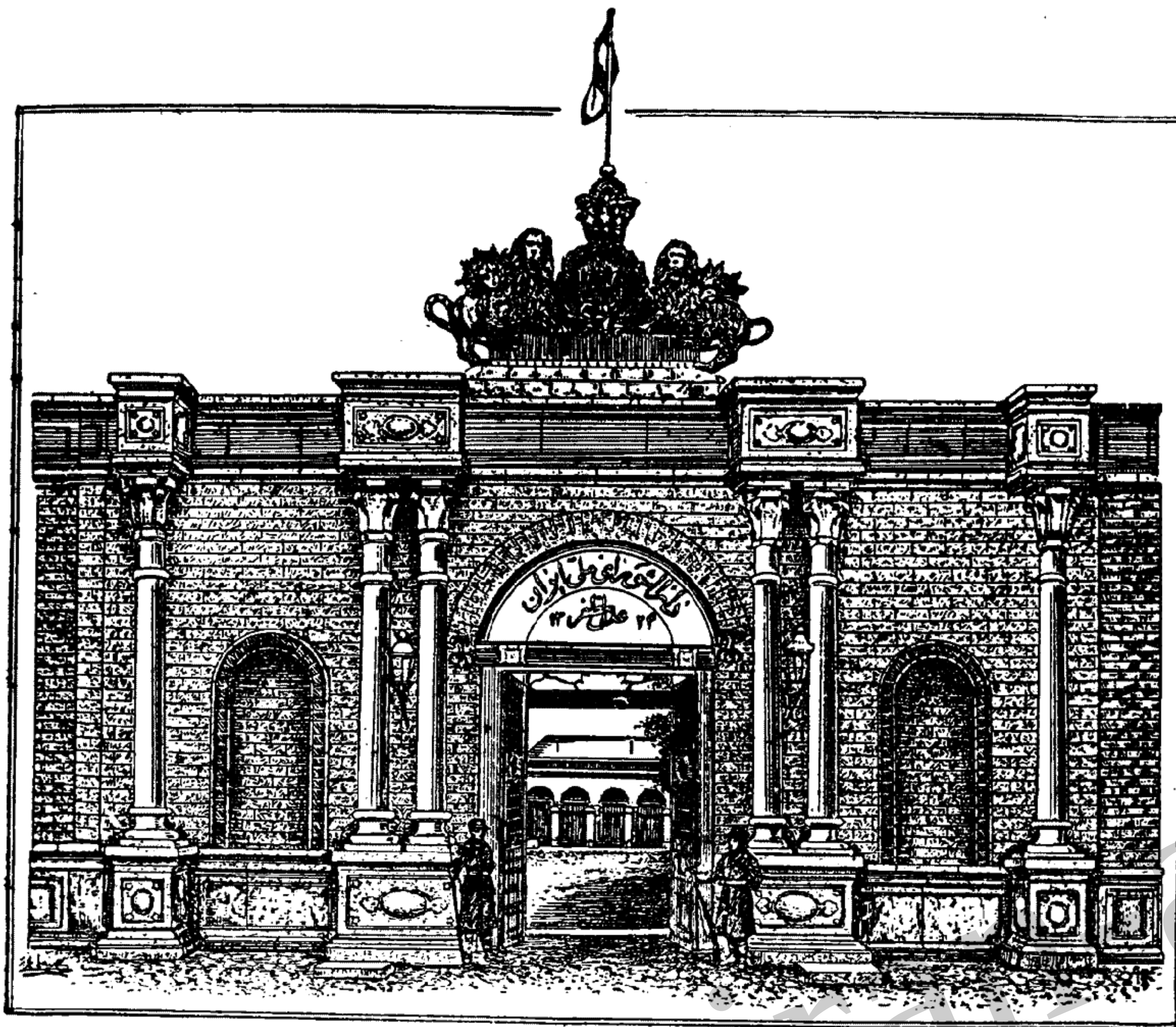


دوره هفتم تقنیه

شماره	مذاکرات مجلس	جله
۲۵	مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود مطبعة مجلس	قیمه اشراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارج « دوازده تومان قیمه تك شماره يك قران
۲۵	تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه سه شنبه ۱۶ بهمن ماه ۱۳۰۷ مطابق ۲۴ شعبان المعظم ۱۳۴۷	

فهرست مندرجات

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	تصویب سه ماه مرخصی آقای اعتبار	۳۸۲	۳۸۴
۲	شور اول خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع به معافیت های گمرکی	۳۸۴	۳۸۹
۳	معرفی آقای فرزین بکفالت وزارت امور خارجه	۳۸۹	
۴	شور و تصویب خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع به واگذاری قراولخانه ها و غیره به بلدیہ ها	۳۸۹	۳۹۳
۵	شور نانی لایحه ذبایح	۳۹۳	۳۹۶
۶	قانون واگذاری قراولخانه ها و اراضی باثیه و دئره مورد استفاده بلدیہ های محل	۳۹۶	



مذاکرات مجلس

دوره هفتم تقنینیه

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه ۱۶ بهمن ماه ۱۳۰۷ مطابق ۲۴ شعبان المعظم ۱۳۴۷

جلسه ۲۵

(مجلس یکساعت قبل از ظهر برپاست)
 آقای دادگر تشکیل گردید
 (صورت مجلس پنجشنبه ۱۱ بهمن را آقای اورنگ قرائت نمودند)
 غائبین با اجازه جلسه قبل
 آقایان: روحی - حیدری مدری - میرزا حسن خان
 وثوق - آشتیانی - مفتی - محمد علی میرزا دولت شاهی
 فرخی - محمد ولی میرزا - حاج میرزا حبیب الله امین

دبستانی - ضیاء - حکمت - جلائی - تیمور ناس -

غائبین بی اجازه جلسه قبل

آقایان: اکبر میرزا مسعود - آقا زاده سبزواری -

حاج رحیم آقا - میرزا ابوالفضل - محمد تقی خان اسعد

شیخ محمد جواد - حاج حسین آقا مهدوی - شیخعلی

مدرس - حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک

محمد آخوند -

دیر آمدگان با اجازه جلسه قبل

آقایان: یونجت - عراقی - ملک مدنی - امیر حسین

خان - مهدوی -

دیر آمدگان بی اجازه جلسه قبل

آقایان: قراکوزلو - دشتی - شریعت زاده - نصری

قوام - کفائی

رئیس - در صورت مجلس مخالفی نیست؟

(گفتند - خبر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد. راپرت کمیسیون

عرایض و مرخصی راجع به مرخصی آقای اعتبار مطرح

است.

(بشرح ذیل قرائت شد)

نماینده محترم آقای میرزا احمد خای اعتبار بواسطه

کسالت و لزوم معالجه مسافرت خود را بخارج ضروری

دانسته و تقاضای سه ماه مرخصی از تاریخ حرکت نموده

کمیسیون تقاضای معزای الیه را تصویب و اینک خبر آن

تقدیم میگردد.

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده موافقم.

رئیس - آقای ملک

ملک مدنی - موافقم.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - عرض کنم یک اعتبار در این مجلس

داریم ایشان هم میخواهند تشریف ببرند خوب است این

آقای اعتبار در این مجلس تشریف داشته باشند و خدمت

کنند و گمان میکنم وجودشان در مجلس لازم تر باشد

تا اینکه تشریف ببرند به اروپا و اگر هم خدای نخواسته کسالتی داشته باشند در اینجا اطبائی هستند که بتوانند معالجه ایشان را بکنند و مرض ایشان هم مرضی نیست که محتاج به تشریف بردن به اروپا باشند انشاءالله امید واریم ایشان صرف نظر از این مسافرت بکنند و اگر هم خدای نخواسته مریض باشند در همین جا معالجه کنند.

رئیس - آقای اورنگ

اورنگ - بنده غالباً می‌دانم راجع به مرخصی آقایان

نماینندگان حضرت آقای فیروز آبادی مخالفت میفرمایند در

گرفتن حقوقشان. در این موضوع بنده بطور کلی خواستم

یک تذکری عرض کرده باشم. البته خودشان تصدیق

میفرمایند که زندگی در هر اداره یک رویه و تشریفاتی

دارد مجلس مقدس شورای ملی بلکه اداره نیست ولی

هرکجا که انسان زندگی کند و در مقابل آن زندگی یک

وظیفه دریافت بکند یک مقرراتی هست که بآن مقررات

رفتار میشود مثلاً روز جمعه را آقایان شرفیاب نمیشوند

بنا بر این مقدمه که آقای فیروز آبادی در دست

گرفته اند واصل قرار داده اند بایستی آقایان نمایندگان

روز جمعه حقوق نگیرند، بعد از ظهر پنجشنبه اشخاصی

که در ادارات میروند چون تعطیل دارند بنا بر این

مقدمه و فلسفه نباید حقوق بگیرند در اعیاد اعم از

ملی و دولتی بنا بر این مقدمه که آقای فیروز آبادی در

دست گرفته اند نباید حقوق بگیرند، ناخوشی قهری است

و هیچکس اراده ندارد که ناخوش بشود و ناخوشی

چیزی است که هرکس از آن متنفر است ولی قهرأ پیش

می آید و ایشان را مشغول میکند بخودش و نمیکندارد

انسان مشغول به شغل اداریش بشود، بنابراین فلسفه نباید

در آن مدت ناخوشی که غلط کرده، تب کرده، باید چشمش

چهار ماه بشود و حقوق نگیرد. این ترتیب نیست قربان

و بعلاوه شما در تمام نظاماتان، در تمام ادارات

سالی یکبار مرخصی قرار داده اید که از آن یک ماه مرخصی

با حقوق استفاده کنند نمایندگان هم البته تصدیق میفرمائید

هیچیکشان میل ندارند ناخوش شوند اولاً - ثانیاً آمدند

و ناخوش شدند مادامیکه طبیب بجائی ازوفقا دارند میل ندارند به طبیبی مراجعه کنند که ویزیت بدهند این هم طبیعی است مسئله سوم اگر از اطباء داخله مملکت ما معالجه آنها را عهده دار شوند هیچوقت میل ندارند که سه ماه چهار ماه بروند در غربت بخوابند و در آنجا معالجه کنند بنا بر این مقدمه تمام این جریانات را آقای فیروز آبادی باید در نظر گرفته باشند و با تمام اشخاصی که مرخصی میخواهند مخالفت نکنند و این فلسفه ندارد.

رئیس - رای گرفته میشود به مرخصی آقای اعتبار

موافقین قیام فرمایید.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. خبر کمیسیون قوانین مالیه

راجع به معافیت های گمرکی مطرح است - شور اول

(بشرح ذیل خوانده شد)

کمیسیون قوانین مالیه لایحه نمره ۴۴۶۲۵ دولت را

تحت شور قرار داده و پس از تبادل نظر و مذاکرات در

اطراف آن مادم پیشنهادی دولت را بشرح ذیل تنظیم

و رایورت آنرا تقدیم میدارد

ماده واحد - مجلس شورای ملی به دولت اجازه

میدهد که اشیاء ذیل را از پرداخت حقوق گمرکی

معاف نماید.

۱ - اشیاء متعلق به اعلیحضرت همایون شاهنشاهی

و دربار سلطنتی و والا حضرتقدس ولایت عهد و هم

چنین اشیاء و نه متعلق بسلاطین و رؤسای ممالك خارجه

و ملتزمین رکاب آنها در موقع ورود و خروج آنها از ایران

۲ - نسبت بسفراء کبار و وزراء مختار و شارژ دافر

ها و مستشاران و نواب و آناشه های کشوری و نظامی

در سفارتخانه ها راجع به اشیائی که برای خود وارد یا

صادر میشوند همان مقررات مراعات میشود که در ممالك

آنها نسبت به اشیائی که برای مأمورین سیاسی ایران

وارد با صادر میشود مرعی گردد آثایه و سایر اشیاء مخصوص

استعمال شخصی جنرال قونسولها و قونسولها و ریس قونسولهای

دارای کاربر که در مدت نه ماه اول اقامتشان وارد شود

باعتبار معامله متقابل.

علائم مملکتی بیدقها و آثایه و لوازم دفتری متعلق

باشاسلری جنرال قونسولگری و قونسولگری و ریس قونسولگری

ها در موقع ورود یا صدور با رعایت معامله متقابل.

۳ - اشیاء و آذوقه مخصوص استعمال شخصی مسافین

بحد متعارف

۴ - آلات و ابزار مستعمل کار و حرفه که مسافین

برای حرفه خود وارد میکنند (بستثنای بیابان و هارمونیم

و دوچرخه و وسائل نقلیه از هر قبیل و نورافکن و سینما

نوگراف)

۵ - حیواناتیکه برای تعلیف بخارج فرستاده میشود

۶ - امتعه مصنوعه ایرانی که بعلت ممنوعیت بعده

فروش و غیره به ایران عودت داده میشود

۷ - امتعه مصنوعه ایرانی یا خارجی که برای تعمیر

یا تکمیل بخارج حمل و به ایران عودت داده میشود

هرگاه این امتعه در موقع ورود اضافه قیمت با افزایش

وزن حاصل کرده باشد بهمان نسبت حقوق به آنها تعلق

خواهد گرفت.

۸ - چارپایان و دستکاهها و عربچه های متنوعه که

مسافین عازم بخارج را حامل بوده و مجدداً به ایران

وارد میشوند مشروط بر اینکه وجه الضمانه کافی سپرده

شده باشد و مهلت از دوازده ماه تجاوز نکند

۹ - لکوموتیوها و کالسکه های راه آهن و وسائل

نقلیه هوایی که بترتیب منظم دائمی در خطوط بین

ایران و خارجه کار میکنند و همچنین مقدر سوختی که

جهت راه لازم باشد

۱۰ - لفافه های متعارفی به استثنای ظروف شیشه

و لفافهای نجمی

۱۱ - قطعات کشتی از قبیل دکل و شراع و اسکر

و طناب و سایر متعلقات بجهازاتی که در سواحل ایران

غرق و یا بجا نمانده اند و همچنین اسباب و لوازم چهارات

تجارتی ایرانی که در سواحل خارجه غرق گردیده و یا

بناك نشسته و نا ششاه بعد از وقوع قضیه مجدداً به ایران حل میشود

تبصره ۱ - معافیت های مقرر در این قانون شامل اشیائی که ورود یا خروج آنها ممنوع یا موكول با اجازه مخصوص است نخواهد بود

تبصره ۲ - دولت میتواند ادویه و اشیاء متعلقه بشیر و خورشید سرخ و مؤسسات صحبه و خیریه را در موارد مقتضیه از حقوق كمرکی معاف نماید
رئیس - ماده واحده مطرح و شور اول است .
آقای عدل

عدل - موافقم .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - يك موضوعی را بعرض مجلس میرسانم و این مسئله شاید بعد هم حل شود اشخاصی که در کمیسیونها هستند کمیسیونها به آنها اختصاصی ندارد کمیسیونهای مجلس نسبت به هر کس علی السویه است مثلاً بنده که در کمیسیون بودجه یا قوانین مالیه هستم اختصاصی به من ندارد . امروز فرضاً بنده عضو کمیسیون بودجه هستم فردا آقای بیات هستند پس فردا فلان . مطابق ماده ۱۸ نظامنامه داخلی هر لایحه یا طرح قانونی که مداخلت در خرج یا دخل سال بعد داشته باشد باید بکمیسیون بودجه بیاید و این لایحه در آنجا نیامده است این يك نقطه نظر نظامنامه ایست . حالا شاید برای خاطر اینکه دولت محتاج است به این که این لایحه زودتر بگذرد بنده هم موافقت میکنم ولی این سابقه نشود که هر چیزی که تغییر در دخل و خرج میدهد به کمیسیون بودجه نیاید و لابد آقای مخبر هم موافقت میکنند دارند که این سابقه همیشه در دوره پنجم و ششم که در کمیسیون بودجه با بنده بوده اند بوده است و حالا اگر موافق باشند مختارند . اما راجع باین مسئله که عرض کردم نه اینکه ایرادی به کمیسیون قوانین مالیه داشته باشم يك تذکر عبارت نظامنامه بود نه اینکه مخالف باشم بعد هم گفتم صرف نظر کردم که برای خاطر آمدن آقای وزیر عدلیه معلوم میشود که دولت نظر دارد

قوانین مالیه و سایر کمیسیونها نیست و هر وقت هر لایحه به هر کمیسویی که مراجعه شد البته وظیفه آن کمیسیون این است که در آن لایحه رسیدگی کند و رایورت خودش را اظهار کند اما در قسمت ثانی راجع به اثاثیه سفارتخانهها همانطوریکه اظهار فرمودید سابق بر این در كمرک يك نظامنامه داشتند و يك تعرفه داشتند و بموجب يك قرار دادهائی عمل میشد و اگر يك معافیتها یا غیر ذلك هم میخواستند بدهند هیئت دولت يك تصویب نامه صادر میکردند و موافق آن عمل میشد ولی حالا چون تعرفه كمرکی ما تعرفه قانونی است و لایحه اش از مجلس گذشته و مطابق آن لایحه که از مجلس گذشته است كمرک گرفته میشود این است که دولت نمیتواند خودش هیچ چیزی را استثنا کند و بیستی هر چیزی که لازم است استثنا شود از مجلس بگذرد و حالا آن معافیت هائی که سابق داشته اند بصورت قانون این لایحه را تنظیم کرده اند و تقدیم مجلس کرده اند که مجلس تصویب کند که مطابق قانون معافیتها معمول و مجری شود . در قسمت سفارتخانهها نه در مملکت ما بلکه در تمام ممالك دنیا این مسئله معمول است که مأمورین سیاسی همیشه اثاثیه و لوازمی که همراهشان هست از ادای كمرک معاف هستند و اساساً هم در اثاثیه و لوازم و محتاج آنها دقت نمیشود و معاف است در ایران هم همانطور معمول بود و اگر دقت بفرمائید در آن بکمی دو قسمت که راجع به اثاثیه سفارتخانهها و قونسولها و ویس قونسولها نوشته شده است همه جا معامله متقارن را ما در ضمن گذشته ایم یعنی همانطور که دولت طرف نسبت به ما معامله میکند در دادن استثناء و معافیتها ما هم همان را نسبت به آن دولت منظور میکنیم ، البته ممکن است بعضی جاها کمتر توسعه داشته باشد بعضی جاها بیشتر در هر حال معامله متقارن است و هر طوریکه هر دولتی با ما عمل کرد نسبت به اثاثیه و لوازمی که سفیر یا یکی از اعضای سفارتخانهها همراه میبرد ما هم همان معامله را خواهیم کرد بنابراین البته هیچ اشکالی نخواهد داشت و يك ترتیبی و يك قراردادی در بین خواهد بود که هر کجا

هر طور که با ما رفتار میکنند و هر جوری که معاف میکنند یا میگیرند ما هم همان ترتیب معاف میکنیم . در قسمت لفافه ها که فرمودید البته تصدیق میفرمائید که بارهائی که می آید توی گونی یا يك چیزهائی ، يك لفافه هائی بسته شده است و این لفافه ها را اگر بخواهند كمرک بگیرند چون اساساً يك چیزی نیست که قابل ارزش باشد خوب نیست فقط این جا يك قسمت آن که ممکن بود ارزش داشته باشد یکی ظروف شیشه بود و یکی لفافه های نچلی این را معاف نکردیم باقی دیگر مثل گونی و کرباس و غیر ذلك وقتی که لفافه شد چون چیزی نیست که بشود ارزش كمرک گرفت و چیزی نیست که قابل استفاده باشد معاف کردیم و اگر نچلی شد ارزش كمرک گرفته میشود و اگر نچلی نیست و چیز هائی است که بدرد نمیخورد و قیمت ندارد از آنها كمرک نمیگیرند و معاف است

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده باین لایحه کاملاً مخالف هستم ولی حالا چون ضرورت الحاق میکند گرفتن كمرک را دیگر بنده به استثنای عقیده ندارم هر کس هر چه وارد میکنند و هر چه خرج میکنند و قتیکه ضرورت بحج کرد باید به مقتضای ضرورت رفتار کرد اینجا نباید استثنا کرد و بنده به حس دادم که ضرر تمام میشود مثلاً نوشته قونسولهای خارجی و اشخاص دیگری را که نوشته و بنده اسم هاشان در نظر نمیگیرم اینجا باید معاف باشند خوب در آن روز ورودشان معاف آنوقت باز هم نوشته ما نه ماه بعد از ورودشان هم معاف باشد این امکان دارد کسی که میخواهد از خارج بیاید اگر نخواهد نصف مال مملکت خودش را هم وارد کند همین اسم میتواند چون محدود نشده است و با این ترتیبی هم که این قانون نوشته شده است هیچکس نمیتواند جلوگیری کند مثلاً بنده خودم از عتبت و مبعثتم به سرحد خاقان که رسیدم دادم يك شخص تاجری از اهل بکی از دول که میخواهم اسم ببرم و نا اتم بدیل خیلی عالی

داشت به اسم قونسول آن مملکت وارد کرد در صورتیکه مال خودش بود و میگفت اگر اینها را خوب بخرند نفع کلی دارد و این قانون يك طوری است که اشخاص میتوانند به اسم دیگران يك چیزهائی وارد مملکت کنند در صورتیکه مال آنها هم نیست. بنده اولاً با استثنائش به این نظر هیچ عقیده ندارم. ثانیاً به مدتی که تا نه ماه بعد از ورود هم هرچه اینها وارد کنند مستثنی باشد از حقوق گمرکی عقیده ندارم و نمیدانم بچه نظرات است؟ خواهند گفت معامله متقابل به بختانه قونسول های ما که میروند نمیدانم چه دارند که همراه ببرند. حتی خوراك آنجا را هم از اینجا باید برد و دست خالی به آنجا میروند ولی سائیرین میتوانند همه چیز وارد کنند به اسم شخصی. این قانون بعقیده بنده به نفع ما نیست حالا اگر در ظرف يك نظریاتی بود و يك اصلاحاتی بود يك چیزی بود ولی با این غیر محدود بودن و تمدید مدت دادن برای نه ماه و بعضی استثنائات دیگر گمان میکنم هیچ نفعی ندارد قائل شدنش.

وزیر عدلیه - نماینده محترم در اساس قضیه موافق هستند فقط بنده از فرمایشات ایشان يك تکراری استنباط کردم که میباید يك وقت سوء استفاده هائی بشود ولی بنده اطمینان میدهم که این تکراری مورد نداشته باشد اولاً آن کسانی که نمایندگی دارند از دولتهای خارجی و سمت رسمیت دارند از طرف دول دیگر البته نظرشان به آنها نبوده است و گفتند شاید اشخاص دیگری به اسم آنها این کار را بکنند ولی گمرک البته نظارت خواهد کرد و هیچکس نمیتواند به اسم آنها شخص مال التجاره وارد کند و تصور میکنم بایستی تمام اطراف قضیه را ملاحظه کنیم و رعایت تراکت هائی که لازم است بشود و از این حیث اطمینان داشته باشید و هیچ تکراری نداشته باشید قسمت نه ماه هم برای این است که بالاخره شخصی که وارد میشود و میخواهد جایجا بشود اسبابش را اغلب با خودش بر نمیدارد بیاورد از عقب می آید باید يك مدتی به این شخص مهلت داد که در آن مدت بتواند استفاده کند

والا آن شخص باید خودش با بارهایش حرکت کند و این عملی نیست این است که تصور میکنم آقایان موافقت بفرمایند بهمین شکلی که نوشته شده است بگذرد.

رئیس - آقای ضیاء

ضیاء - (خیلی آهسته) عرض کنم بنده با اصل این لایحه موافقم ولی این لفظ مستعمل که در قسمت چهارم نوشته شده است آقای وزیر عدلیه هم تشریف دارند... بعضی از نمایندگان - بلند تر نمیشنوم.

رئیس - (خطاب به آقای ضیاء) تشریف بیاورید پشت تریبون.

(آقای ضیاء از محل خود حرکت و پشت کرسی نطق آمدند) ضیاء - خیلی مختصر میخواهم عرض کنم. در این قسمت البته نظر دولت متوجه بوده است که کار گرها نجار و آهنگر و اشخاصیکه بخارجه مسافرت میکنند با عمداً به خارجه میروند برای اینکه اسباب دستی برای خودشان تهیه کنند و بیاورند آنها ناحدی که خودشان در کار خودشان استعمال میکنند معاف باشند ولی اینجا در قسمت چهارم ذکر کله مستعمل و لفظ مستعمل بعقیده بنده يك قدری این منظور را متزلزل میکند. نوشته شده است: آلات و ابزار مستعمل کار و حرفه که مسافرت برای حرفه خود وارد میکند در صورتیکه لفظ مسافرت برای حرفه خود وارد میکنند هست اصلاً کله مستعمل لزومی ندارد زیرا ممکن است گفته شود آلات و اسباب مستعمل مراد کهنه است یعنی در گمرک گفته شود فلانکس که در هندوستان نجار بوده است اسباب و ابزار کهنه اش را دست گرفته می آورد در ایران و میخواهد در اینجا هم تجاری کند این معاف است. و شاید منظور دولت این بوده است و البته همینطور هم بوده است که مردم اسباب دستشان را يك قدری عوض کنند و اسباب دست تازه بیاورند و یک قدری تسهیلات داشته باشند چون منظور دولت این بوده است بنده گمان میکنم لفظ مستعمل اینجا زیاد هست و اگر برداشته شود منظور دولت و تسهیلات عامه کاملاً فراهم میشود يك پیشنهادی هم عرض شده است.

وزیر عدلیه - عرض کنم مقصود دولت در ضمن این ماده

این بوده است که کسانی که از خارج می آیند و اهل حرفه هستند اسباب کاری که همراه خودشان می آورند اسباب کار و حرفه و شغل خودشان که با آن کار میکنند از شان مالیات و گمرک گرفته نشود و مخصوصاً مستعمل گفته شده است که آن اسبابی که داشته است و با آن کار میکرده است معاف باشد و الا اگر بنا بود اسباب جدید را معاف کنند یعنی اهل حرفه وقتی که اسباب جدیدی برای خودش وارد میگرد گمرک ندهد این منظور نیست چون بموجب تعرفه گمرکی يك کسی که از خارج میاید هرچه اسباب داشته باشد ولو اسبابش هم مستعمل باشد باید گمرک بدهد و اینکه اینجا استثناء شده مخصوصاً همان اسباب کهنه و مستعمل است که اهل حرفه با خودشان میآورند و بنده کاملاً موافق هستم که بایستی سعی کرد اسباب و ابزار کار در این مملکت نو بشود ولی این را باید از طریق دیگر وارد شد و مخصوصاً باید تفاوتی گذارد بین يك کسی که در داخله مملکت ما کار میکند با يك کسی که از خارج می آید چون يك کسی که در داخله کار میکند وقتی میخواهد اسباب تازه بخرد پول گمرک میدهد یعنی گمرک از اسباب او گرفته میشود دیگر دلیلی ندارد آن کسی که از خارج می آید با ادوات و اسباب تازه مالیات گمرکی ندهد البته اگر اسباب تازه داشته باشد باید گمرک بدهد ولی اگر مستعمل بود معاف باشد خوب است آقا هم موافقت بفرمایند بهمین شکلی که اینجا نوشته شده است بگذرد و مخصوصاً این کلمه مستعمل اینجا باشد

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

دکتر سنک - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید.

دکتر سنک - يك تبصره در اینجا ذکر شده است برای ورود ادویه و اسبابی که متعلق به امور صحتی و شیر و خورشید سرخ است و طوری این را در مضیقه گذاشته اند که به فرمایش آقای کازرونی خیلی لفاف دارد و بیشتر از همه چیز لفاف برایش گذاشته اند خواستم از

آقای مخبر توضیح بخواهم.

رئیس - راجع به کفایت مذاکرات بفرمائید

دکتر سنک - خواستم عرض کنم اگر اجازه داده

شود توضیحی در این موضوع بدهم

رئیس - رای گرفته میشود به کفایت مذاکرات

آقایانیکه موافقت قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. پیشنهادها قرائت میشود.

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که نوشته شود تا دو ماه بعد از

ورود خودشان تا آخر. فبروز آبدی

پیشنهاد میکنم در قسمت دوم بیدقها تبدیل شود به

بیرقها.

پیشنهاد میدارم فقرات ۵ و ۷ پس از موارد معافی

حذف شود و در فقره ۸ چابکاران نیز حذف گردد.

محمد ولی

پیشنهاد میکنم در فقره ۲ در قسمت انائیه قنصولها

عبارت (که در مدت ۹ ماه اول اقامتشان وارد شود)

حذف و بجای آن نوشته شود (در موقع ورود و خروج

از ایران)

پیشنهاد میشود که کلمه مستعمل در ذیل چهارم حذف

شود.

سید ابراهیم ضیاء

پیشنهاد میشود که بعنوان قسمت ۱۲ به ماده واحد

علاوه شود:

۱۲ اسباب و ابزار و کلیه لوازم مدارس صنعتی

سید ابراهیم ضیاء

بنده پیشنهاد میکنم که سیما توگراف از مستثنیات

ماده چهار حذف شود.

بنده پیشنهاد میجام عبارت ذیل اضافه شود ملزومات

علمی و صنعتی مدارس ایران که تحت نظر وزارت معارف

خواسته شود از تادیه گمرکی معاف خواهد بود.

کیا

پیشنهاد میکنم بعد از قسمت ۱۱ اضافه شود:

۱۲ - چوب و آلات و ابزاریکه برای ساختن کشتی های بادی وارد بندر ایران میشود و همچنین پارچه هایی که بجهت شراع وارد میشود. کازرونی

پیشنهاد میکنم دواجات و اسباب جراحی که برای مریضخانه های ملی وارد میشود از تادیه گمرک معاف باشد دکتر طاهری

رئیس - رأی گرفته میشود به شور ثانوی آقایان موافقین قیام فرمایند (غلب برخواستند)

رئیس - تصویب شد. آقای رئیس الوزراء فرمایشی دارید؟

رئیس الوزراء - کفالت جناب آقای فرزین که معلومات علمی و عملی شان بر همه آقایان معلوم است به وزارت خارجه به عرض حضور همایونی رسید و اجازه فرمودند لهذا به مجلس ایشان را به این سمت معرفی می کنم.

رئیس - خبر اخیر کمیسیون قوانین مالیه راجع به واگذاری اراضی به بلديه ها قرائت میشود (بمضمون ذیل خوانده شد)

کمیسیون قوانین مالیه در پیشنهادات آقایان نمایندگان محترم راجع به خبر نمرة چهار مذاقه نموده و نظر به اینکه نظارت وزارت مالیه در فروش مبنی براین نیست که اجازه فروش از طرف آن وزارتخانه لازم باشد بلکه مقصود این است که موضوع فروش به بهترین قیمت انجام وبصرفه تمام شود و همچنین در قسمت تبصره اضافه کردن حریم را لازم میدانند لهذا خبر سابق را تأیید می نمایند.

رئیس - خبر سابق با اضافاتی که در مجلس قبول شد قرائت میشود

(بترتیب ذیل خوانده شد)

کمیسیون قوانین مالیه پیشنهادات آقایان نمایندگان محترم را که در شور اول به مجلس شورای ملی تقدیم نموده بودند تحت شور قرار داده و ماده واحده را به شرح ذیل تنظیم و رایورت آرا تقدیم میدارد

ماده واحده - دولت مجاز است املاك دولتی ذیل را در هر شهری در صورتیکه برای احتیاج دولتی خود لازم نداند با اطلاع وزارت مالیه به بلديه همان شهر واگذار نماید.

(قراولخانه ها - سرهزخانه ها - میدانها - اراضی باغی - اراضی دائره - قلعه های مخروبه - باغات بیوات - اراضی حریم دار الحکومه ها - قنوات باغی دولتی که ممکن است مورد استفاده شهر ها واقع شود) بلديه ها هر قدر از محل های مزبور را برای خیابانهای جدید و مؤسسات بلدی لازم است نگاهداشته و مابقی را با اطلاع وزارت مالیه به مزایده فروخته و وجه حاصله را منحصر بمصرف تأسیسات عام المنفعه همان محل خواهد رسانید

تبصره - خندق ها و خاک رز و حریم و حصار شهر ها که مورد استفاده نظامی نیست و ناموقع تصویب این قانون نمائی در آن نشده و در تصرف فعلی اشخاص نیست متعلق به بلديه ها و میتوانند فروخته و بمصرف تأسیسات عام المنفعه رسانند.

رئیس - پیشنهاد آقای دهستانی قرائت میشود.

(شرح ذیل قرائت شد)

کاروانسراها و راهدار خانه ها به ماده اول اضافه دهستانی

رئیس - آقای دهستانی

دهستانی - البته آقایان مستحضرد در موقعیکه باج را گرفته میشد يك مقدار راهدار خانه هایی ساخته شده و این راه دار خانه ها کم کم دارد خراب میشود بنده پیشنهاد کردم که این راهدارخانه ها اضافه شود و بعضی کاروانسراها هم هست که در عرض راهها است و دارد خراب میشود این را هم پیشنهاد کردم اضافه شود و مسلم است که اینها لازم است اضافه شود

مخبر - آقای دهستانی توجه فرمودند که این قضیه مربوط به راهها نیست مربوط بشهرها است يك اموال و املاك دولتی که در شهرها باشد به بلديه ها واگذار شده است ولی بلديه ها دخالت در راهها و کاروانسراها

و راهدار خانه ها و اینها نمیکند و اگر راجع به اینجا بایستی اقدامی بشود باید در جای دیگر منظور شود.

دهستانی - مسترد میدارم

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

(بمضمون ذیل خوانده شد)

تبصره دوم را پیشنهاد میکنم: اراضی متعلق بدولت که در ماده واحده ذکر شده است و در تاریخ اجرای این قانون بتصرف اشخاص در آمده چنانچه در آراء این تصرف بدولت یا بلديه حقوقی میدادند بعد از این هم آن حق را به بلديه ها باید بدهند

رئیس - آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - این يك موضوعی است که حقیقه بنده خیلی باید شکر کنم که در هر دوره از دوره های مجلس يك قدمهای اساسی هم دولت و هم مجلس برای ترقی مملکت برداشته است و در دوره هفت هم قدمهایی برای بلديه ها امیدوارم برداریم برای اینکه اساسیات اساسی ما که بحمد الله خوب شده است بلديه ها را هم قوت بدهیم که حقیقه دارای شهر های آباد و آرزومند شویم این است که بنده می بینم هم دولت متوجه است که بلديه را قوت بدهد و هم مجلس در این مسئله کاملاً متوجه است که قدرت و توانائی به بلديه بدهد که حقیقه آسایش مردم در شهر ها فراهم شود این مسئله کاملاً در نظر است که رفاهیت هر شهر بتوسط بلديه آن است و چون این مسئله کاملاً در نظر بنده محرز است و میدانم تمام نماینده های محترم هم در این مسئله جدیت دارند بعرض آقایان می رسانم که در غالب جاها است (غلب جاها را میگویم که دیده ام نه همه جا را) آن جاهائی را که رفته در این مدتها خندقهایی که در اطراف شهر ها بوده است مردم و اشخاص متفرقه شهر زراعت کرده اند یا خانه ساخته اند یا دکان دوست کرده اند - این اشخاصی که در این اراضی تصرف کرده اند دو قسم اشخاص هستند يك قسم اشخاصی هستند که هیچ هم اعتنائی نکنند نه به نماینده مالیه نه بلديه

هیچ اعتناء نمی کنند - يك قسمت هم کسانی هستند که مامور بلديه و مالیه از آنها چیزی میکینند حالا هم اگر بنده میدانستم که از اینها هم من بعد چیزی نخواهند گرفت (آنهايي که چیزی در دست شان هست) بنده ابتدا عرضی نمسی کردم ولی چون میدانم تبعیض میشود بعضی ها که دارای يك نفوذ هائی در محل هستند بهمان ترتیب سابق که ضبط کرده یا اراضی متعلقه بدولت را بکار انداخته اند و چیزی نمیداده اند حالا هم چیزی نمیدهند و کس دیگری هم که آن قدرت را نداشته اند و آمده اند در خندق و اطراف خاکریز خندق يك خانه درست کرده اند و يك حقی بدولت میداده اند بعد هم يك حقی باید بلديه بدهند مثلاً در شیراز بنده کاملاً میدانم در بعضی جاها در خندق آمده اند و خانه ساخته اند و يك حقی هم به بلديه میدهند راست است این جا در تبصره این حق را نمی نگارده است و عبارت تبصره این است که آن جاهائی که در تصرف اشخاص است بحول خودش بقیت درست است سلب این حق را نگارده است ولی بنده برای اینکه سوء استفاده از طرفین نشود هم تکلیف مامورین بلديه و مالیه معلوم شد و هم تکلیف مردم معلوم باشد پیشنهاد کردم چنانچه قبل از این تاریخ اشخاصی که این اراضی را تصرف کرده اند و حقوق بدولت میداده اند امروز هم که متنازع شده است این اراضی از دولت و به بلديه ها منتقل شده است حالا هم به بلديه بدهند - حالا اگر آقای مخبر فرمایند که ما نظر به این حقوق نداریم و آن حقوق را باید بکاکان بلديه ها بدهیم که بنده تبصره پیشه دي خودم را مسترد میدارم و اگر خیر همینطور بحال جمال باشد که بنده در پیشنهاد خودم اصرار دارم و باید تکلیف مردم معلوم باشد بلديه و مالیه هم بدانند که چه میکنند حالا قضاوت آن با آقایان است.

مخبر - اینجا هم بطور که آقای آقا سید یعقوب اظهار فرمودند ممکن هست دو نظریه باشد. يك قسمت از خندقها و حصارها را را ممکن است يك اشخاصی از

عمل میکند اگر هم حقی نمیداده اند حالا هم نمیدهند
آقا سید یعقوب - نظریه بنده تأمین این حق بود حالا
که می فرمایند این حق ثابت است از برای بلدییه مسترد
می دارم

رئیس - پیشنهاد آقای احتشامزاده
(این قسم قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم جمله با اطلاع وزارت مالیه حذف
شود .

احتشام زاده - در جلسه اخیر هم این پیشنهاد از
طرف نماینده محترم آقای افشار تقدیم شد و از طرف
اکثریت آقایان نمایندگان محترم قابل توجه شد فلسفه اش
هم این است بطوریکه در عمل ملاحظه شده است هر
وقت بخواهیم يك کاری را شرط کنیم یا موافقت دو
اداره پیش برود این قضیه يك قدری اشکال برایش فراهم
میشود و بالاخره عملی هم نمیشود و اصل موضوع از این
میرود مثلاً در موضوع امول غیر منقولی که به بلد به
واگذار شده است اگر بخواهیم موافقت وزارت مالیه یا
مأمورین وزارت مالیه را هم در فروش آنها جلب کنیم
این قضیه اسباب کشمکش بین مأمور مالیه و بلدییه یا
حکومت خواهد شد و بالاخره اسباب تاخیر کار خواهد
شد اگر منظور کمیسیون و هیئت دولت این است که
بطوریکه در راپورت اخیر هم تذکر داده اند بیشتر
رعایت صرفه بشود در فروش بنده عرض میکنم از دو
حال خارج نیست یا فروش این امول غیر منقول بتوسط
بلدییه های قانونی است یا بتوسط بلدییه هائی که در
تحت نظر وزارت داخله اداره میشود اگر بتوسط بلدییه
های قانونی باشد که مطابق قانون بلدییه همیشه در فروش
اموالی که متعلق بشهر است باید ملاحظه قانون و
رعایت مزایده را بنمایند که صرفه بلد منظور بشود بنا
بر این جای هیچگونه نگرانی نیست و محتاج موافقت و
نظارت وزارت مالیه نیست - اگر هم وضعیت وضعیت
فعلی باشد یعنی بلدییه ها در تحت نظارت وزارت داخله
باشد خوب وزارت داخله هست و بقدر کافی نظارت خواهد

دولتهای وقت با از بلدییه ها گرفته باشند و آنها واگذار
شده باشد بدون اینکه حقی هم بدولت بدهند . بعضی
اشخاص هم هستند که با اجازه یا بدون اجازه در بعضی
نقاط خانه و دکائی ساخته اند و فعلاً سکونت دارند و در
تصرفشان هست و هیچ حقی هم نمیدهند . اینج در این
تبصره آنطوریکه نوشته شده : اراضی متعلق بدولت که
تا موقع تصویب این قانون شائی در آن نشده و در تصرف
فعلی اشخاصی نیست بلدییه ها و واگذار میشود برای این
است که متعرض آنها نشوند . حالا چنانچه قبلاً در تصرف
اشخاصی بوده و حقی بدولت میداده اند باز همان حق را
خواهند داد این را از این جهت نوشتیم که اگر يك
همچو ترتیبی باشد و حقوقی میداده اند حالا هم بدهند
و اگر هم هیچ حقی نمیداده اند این را کمیسیون در نظر
داشت که دیگر مزاحمتی نسبت آنها نشود و همانطوریکه
چیزی نمیداده اند و حقی برای دولت قبائل نبوده اند
حالا هم چیزی نمیدهند و مال خودشان باشد اما
اگر يك قسمت هائی باشد که حقوق بدولت میداده
اند این جا نظر دولت این است که این حق الارض را
مثل بقیه حقوق که دولت در این اراضی داشته به بلدییه
واگذار و منتقل نمایند و بلدییه خودش مختار است . ممکن
است این حق الارض را بفروشد یا مرتب سال سال بگیرد
ولی تبصره که آقا مرقوم فرموده اند این قسمت فروش را
ازش سلب کرده است باین جهت بنظر بنده خوب نیست
زیرا ممکن است صرفه و صلاح بلدییه و مردم در این
باشد که این شخصی که آمده است و بنائى ساخته است
حق الارضی هم میدهد يك مرتبه بخرد بلدییه هم راضی
باشد بفروشد و پول آنرا بمصرف شهر برساند و تبصره
آقا این منظور را سلب کرده است و نظر کمیسیون این
است که این حق برای بلدییه ها باشد بنا بر این بنده گمان
می کنم که محتاج به تبصره آقا نباشد . این جا هم بنده
توضیح دادم که نظر دولت این است که هر حقی را که
دولت می گرفته است آن حق به بلدییه منتقل بشود و بلدییه
مطابق این رأی که مجلس میدهد به ترتیبی که صلاح میداند

کرد و این اموال هم مشمول قانون کلی بوده و البته در
مورد فروش اموال دولت باید رعایت مزایده را بکنند
پس بنده اضافه کردن این کلمه را اسباب اشکال
برای مأمورین بلدییه و وزارت داخله میدانم و
اگر منظور دولت رعایت صرفه و صلاح اموال بلد است
یا وضعیت فعلی هم رعایت خواهد شد بدون اینکه اسباب
زحمتی هم بشود این است که بنده پیشنهاد کردم این
عبارت حذف شود .

وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم که يك مراجعه
باصل عبارت آقایان هم متقاعد میکند باین که در این
پیشنهاد اصرار نکنند چون نمینویسد که با اجازه وزارت
مالیه یا (موافقت وزارت مالیه) فقط مینویسد
(اطلاع وزارت مالیه) بمزایده بگذرند و البته تصدیق
میفرمائید مزایده يك ترتیب معینی دارد و بایستی اعلان
کنند و بشکل مخصوصی مزایده را بعمل آورند و يك
مدت معینی هم دارد و بایستی با اطلاع وزارت مالیه برسانند
تا در موقع مزایده نماینده وزارت مالیه هم حاضر باشد
و با حضور نماینده او مزایده بعمل آید و پاکت مهر را باز
کنند و انتخاب کنند و این در حقیقت يك کنترولی است
و بنده یقین دارم آقایان هم هر قدر در يك مسئله مخصوصاً
مسئله مالی کنترول بیشتر باشد بیشتر موافقت میفرمایند
بالاختصاص در صورتی که آن کنترول هیچوقت نتواند
صدمه و لطمه به پیشرفت کار بزند و فقط نماینده مالیه آنجا هست
در اینجا بنده تصور می کنم که جای نگرانی نیست اگر
نوشته بودند (موافقت) طبیعتاً موافق باعث این میشد
که دوا داره دورأی پیدا کنند و نایك موقعی کار تعطیل
بشود ولی اینجا صحبت موافقت نیست گفتگوی اطلاع
است که با حضور نماینده مالیه بالاخره این مزایده بعمل
آید . آیا بهتر نیست که غیر از بلدییه يك نماینده دیگری هم در
آنجا باشد ؟ یا اینکه میل دارید فقط نماینده بلدییه باشد البته
دو نظردو کنترول باشد بهتر است (جمعی از نمایندگان صحیح است)
شما همه بلدییه ها را هم يك نهج نگاه نکنید . بعضی جاها
هست که بلدییه ها بقدری ناقص تشکیل شده است که

بنده گمان نمی کنم مصلحت کار این باشد که بلدییه به
تنهایی باین کار اقدام نماید و یقین دارم خود آقایان هم
این مصلحت را در نظر داشته باشند و موافقت بفرمایند
که يك کنترولی بشود نه اینکه فقط چند نفر باسم مزایده
بنشینند و بدون کنترولی این منظور را بخواهند انجام
بدهند (صحیح است) از طرف دیگر اگر چه این مسئله
مجلسی نیست و آقای وزیر مالیه هم نیستند بنده گمان
می کنم که اگر خود ایشان بودند می گذاردند حالا
يك کاری نکنید که ایشان نیستند رد بشود
(خنده نمایندگان)

احتشام زاده - بسیار خوب بنده پس میگیرم

رئیس - پیشنهاد آقای ملک مدنی .

(بشرح آتی قرائت شد)

بنده پیشنهاد می نمایم راهدار خانهاى که در حومه شهر
واقع است اضافه شود .

ملک مدنی - عرض کنم که در غالب شهر های ایران
که راه شوسه بوده است از سابق که مالیات راه معمول
بود در جنب شهر ها يك عمارتی از طرف اداره طرق
ساخته شده است بعنوان عمدت راهدار خانه که الان
هم موجود است . از وقتی که مجلس هج راه را ملغی کرده
است این عمارات همینطور بحال مخروبه گى افتاده است
و بلا تکلیف مانده است بنده پیشنهاد کردم که این قسمت
هم اضافه شود که بلدییه مثل سایر جاهائی که باختیارش
گذشته اند این ها را هم مختار باشد بفروشد و پول آنرا
بمصرف شهر برساند و گمان میکنم آقای مخبر هم موافقت بفرمایند
مخبر - عرض کنم که اگر چه بنده تصور میکنم
این قسمت جزو بیونات باشد ولی از نظر اینکه هر چه
قانون واضح تر باشد بهتر است بنده قبول می کنم بعد
از (بیونات) نوشته شود (راهدار خانهای حومه شهر)
وزیر عدلیه - در صورتیکه طرف احتیاج نباشد .
رئیس - پیشنهادی هم از آقای یاسائی راجع باصلاح
عبارتی رسیده است که بجای اراضی باثربه و اراضی دائره
نوشته شود (اراضی باثربه و دائره) و از تکرار کلمه

اراضی صرف نظر بکنیم

نمایندگان - صحیح است

رئیس - بسیار خوب با این اصلاح و افزودن (حریم) و آن اصلاحی که اخیراً آقای ملک مدنی پیشنهاد کردند و آقای مخبر قبول نمودند رأی میگیریم بماده واحده موافقین قیام فرمایند

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد لایحه ذبیح مطرح است ماده اول و شور ثانی مطرح است قرائت میشود (این قسم قرائت شد)

ماده اول - بوزارت مالیه اجازه داده میشود از تاریخ تصویب این قانون فقط در شهرها و قصبات از کشتار بز دو قران و از گوسفند دو قران و دهشاهی و از بره سه قران از گاو و گوساله سه قران و دهشاهی و از گاو میش پنجقران دریافت دارد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - در اینجا بنده يك پیشنهادی کرده بودم و در تعقیب پیشنهاد خودم ناچارم باز عرایض خودم را تکرار کنم تا اینکه اگر در کمیسیون يك نظری را اتخاذ کنند این جواب بنده در این جا در این ماده داده شود که معلوم بشود در این جا ماده را بهمان ترتیب سابق نوشته اند نهایت آمده اند و از برای هرز که دوربال بود دو قران معین کرده اند و دهشاهی از این را انداخته اند کردن بره این اصلاحی است که کرده اند! عرض کنم که اساساً بنده در اینجا مکرر عرض کرده ام باز هم عرض میکنم ما احتیاج داریم که عوائدمان را زیاد کنیم ولی از يك جائی باید این ازدیاد را در نظر گرفت که بارزاق عمومی فشاری وارد نیارد - ولی در این ماده این عرض بنده تأیید نشده است و مسئله که فوق العاده بنده بان علاقه مند هستم در این قانون معین کردن مسلخ ها است همانطور که آروز آقای وزیر مالیه این جا اظهار کردند قانون پس از گذشتن اجرا میشود خواه مسلخ درست شده باشد یا نشده باشد بعد

هم وزارت داخله را مکلف کرده اند که برای ترتیب مسلخ ها بودجه معین نمایند و بتدریج بسازند بنده استدعایم این بود که این جا مدتهائی است که هی فرید میزنند که ما طرفدار حفظ الصحه هستیم خیر آقا ما طرفدار مرض هستیم تا آن لایحه راجع به مسلخها نیاید و مسلخ ها را معین نکنند که ما يك قدم اساسی برداریم و يك نمایی بدهد دولت که ما برای حفظ الصحه مردم يك مسلخهائی در نظر بگیریم و دولت تهیه بکنند عرض بنده این است که این قانون بعد از قانون تهیه مسلخها بیاید - مسئله همان بود که عرض کردم نسبت باینها هر قدر ما بخواهیم ارفاق بکنیم باز کم است چرا؟ بچه دلیل؟ مثلاً میگویند چرا بره باید سه قران بدهد شاید در طهران يك نفر بخت بر کشته بخورده بره بخورد خیر آقا اینطور نیست بره را همه کس میخورد و در همه جا کشته میشود در ایلات در دهات در همه جا بره کشته میشود خوب بچه دلیل باید بره سه قران بدهد؟ چرا؟ باز اگر مثل اول بود يك چیزی حالا چرا از بز دهشاهی کسر کردید و انداختید کردن بره؟ میگویند که نخورند بره چه دلیلی دارند؟ نخورید آقا زنده نباشید آقا این که دلیل نمیشود آقا چرا زنده شده اید! این هم دلیل است میگویند تجملیت اینهم دلیل نمیشود کسی از برای تجمل بره نمی خورد در طهران شاید ولی در تمام ولایات و ایلات در تمام ایلات قوتشان بره است می گویند خوراك متمولین است اگر تمول هم باشد بره داشتن نازه دلیل نمیشود چون بقدری بر او وضع مالیات کرده اید که دیگر نفس ندارد از کلاهی از عبایش از قبایش از همه چیزش اینها که آقا منطق نمیشود دلیل نمیشود این است عرایض بنده و پیشنهاد هم کرده ام هیچ دلیلی هم ندیدم که کمیسیون چرا از این عرایض و استدلالاتی که این جا گفته شد صرف نظر کرد و بهمان ترتیب سابق رأی داد

مخبر - فرمایشی که آقای آقا سید یعقوب فرمودند بنظر بنده دو قسمت داشت یکی راجع به ناکس پولی که

گرفته میشود یکی راجع به مسلخ - اولاً در قسمت وجهی که گرفته میشود آن قسمتی که برره اضافه کرده اند در نتیجه پیشنهاداتی بود که در مجلس شورای ملی شد يك عده از آقایان نمایندگان محترم پیشنهاد کرده بودند که چهار قران و پنجقران و ششقران از بره گرفته شود و همینطور نسبت به بز يك پیشنهادتی بود که کم بشود بنا بر این با دولت در کمیسیون اینطور توافق نظر پیدا شد که دهشاهی از بز کسر شود و برره اضافه شود و این در واقع از روی نظر مجلس بود که اینطور شد در قسمت درست کردن مسلخ فرمودند در ماده دوم رأیت دقت بفرمایند نوشته شده در مدت سه سال دولت مکلف است در شهرها و قصباتی که مسلخ نیست در بودجه مخارجش رامعین کنند و مسلخ تهیه نمایند البته تصدیق میفرمائید این ماده نظریه را که آقا داشتند تأمین کرده است بواسطه اینکه دولت را هم مکلف کرده ایم که هر سال يك مبلغی در بودجه اش برای ساختن مسلخ ها اختصاص بدهد جاهائی که مسلخ است که هیچ جاهائی که نیست در طرف سه سال دولت مکلف است که همه آنجا ها را مسلخ درست بکند و تصدیق هم بفرمائید بکمرنبه عملی نبود که در همه جا یکسال درست بشود باید به تناسب محل و به تناسب قسمتهائی که هست در دو سه سال دولت در بودجه خودش مخارج را منظور کند و تا سه سال تمام شهرها و قصبات دارای مسلخ خواهند بود و این قسمت کاملاً مراعات شده است

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده اولاً که مخالفت در اصل بود که ثمر ندانست گذشت و تصویب شد حالا در اینجا آمده است بز را دو قران قرار داده است و گوسفند را دوربال و بره را سه قران و گوساله را هم سه قران و گاو را سه قران و ده شاهی آمده بین گوساله که از دو من تا بازده من ممکن است گوشت داشته باشد و زیاد تر از آن خیلی کم اتفاق می افتد و گاوی که از بازده من به بالا تا صد من گوشت دارد فرق نگذاشته و هر دو را

یکسان قرار داده سه قران و دهشاهی معین کرده اند و این مناسبتی ندارد بنا بر این بنده پیشنهاد میکنم که گوساله را هم اندازه بز قرار بدهند اولاً بیشترش قوت فقرا است و ثانیاً کوشش که اینقدرها زیاد نیست که گوساله و گاو یکسان باشد پس خوبست گوساله را هم مثل بز قرار بدهند و از سه قران و دهشاهی به دو قران تنزل بدهند و این قیمت زیاد است

وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم که اولاً در اینطور مسائل رعایت کامل تناسب و حفظ ریاضی خیلی مشکل است ولی اگر آمدیم و خواستیم روی استدلال برویم و بگوئیم چون گوساله اندازه گاو نیست نیاسبتی همان اندازه مالیات بدهد میخواهیم ببینیم آیا گوساله اندازه بز است؟! خوب آنوقت بز را چه باید کرد؟ باید این طور استدلال کرد که بز چرا مالیات گوساله را بدهد؟ حالا در صورتیکه ما بگوئیم گوساله مالیات گاو را بدهد يك مسئله است اما بز مالیات گوساله را چه جور بدهد؟! (خنده نمایندگان)

فیروز آبادی - قیمت بز و گوساله یکی است

ملک آرائی - ختم جلسه

رئیس - مذاکرات ماده اول تمه بشود آنوقت آقای کازرونی

کازرونی - البته وظیفه بنده این است که در اصل لایحه از دولت قبول کنم و بنا بر این اظهار مخلفی نسبت باصل لایحه نمیکند در سایر موارد باز عرض نمیکند بنظر آقایان است و خودشان میدانند عرض بنده راجع به بره است و بس - لیکن از آقایان استدعا میکنم يك قدری توجه بفرم بکنند شخص آقای وزیر محترم مالیه البته نظر سوئی نداشته اند بقیه دارم از روی علاقه به مملکت است که اصرار دارند بره کشته نشود این را درس تردید ندارم ولیکن ایشان نه کله دارند نه تخصصی در این امر دارند يك نفر آدمی هستند مثل بنده در این موضوع بخصوص بنا بر این

ممکن است نظر باینکه بنده اطلاعات محلی در این موضوع بخصوص دارم نظرم صائب تر باشد و باین جهت نباید ایشان هم بفشاری بکنند و جامد بشوند در عقیده خودشان شاید حقیقه حق به جانب بنده باشد. حالا بایستی دید راستی این بزه هائی که کشته میشوند همان طوریکه نظر آقای وزیر محترم مالیه است اگر کشته نشوند يك استفاده هاي بیشتری درش هست یا خیر؟ بعقیده بنده اینطور نیست لکن اینجا بایستی يك شرحی عرض کنم برای توجه نمایندگان محترم. پوست های بزه از يك تومان بلکه از پنجقران تا سه تومان منتهای قیمتش است روی هم که بردارید از پنجقران هست الی سه تومان و حالا بکفندی فکر کنیم که اگر این بزه را نکشند فایده اش بیشتر است یا نکشند؟ البته بایستی این فکر را کرد و این ملاحظه را کرد که اصولاً بزه را بیش از شش ماه نمیشود نگاه داشت یعنی بدرجه کوفندی که رسید مجبورند بکشندش چرا؟ بجهت اینکه برای هر چند راس میش بکش از شش تا هشت راس قریح نمیشود نگاه داشت یعنی نمیشود مساوی همیشه کوفند تر نگاهداشت این مسلم است

احتمال زاده - چرا نمیشود؟

کازرونی - چرا نمیشود؟ تشریف ببرید ببینید چرا؟ این مسلم است و اشخاصیکه مختصر اطلاعی دارند تصور میکنم در این عرض بنده هیچ تردیدی نداشته باشند در صورتنیکه در زمان ولادت اولاً بطور مساوی میزایند یعنی ز و ماده اش را وقتی حساب بکنید در ایام سال می بینید مساوی است پس زیادیش را چکار باید کرد؟ آيا نگاهش بداریم یا بعد از شش ماه بکشیم یا زمان ولادت بکشیم؟ کدامش بهتر است؟ حالا ببینیم که چرا بیش از شش ماه نمیشود نگاه داشت؟ بواسطه اینکه گله دار نمیتواند يك چوپان علیحده و يك محل جدا گانه بجهت کوفند تنها که ماده هم درش نباشد تهیه بکند. علاوه بر اینکه برایش صرفه و نفعی هم ندارد. بنا بر این با بایستی بعد از تولدش بکشد یا بعد از شش ماه. بعد از

شش ماه منتهای قیمتش پانزده قران است اما اگر زمان ولادتش بکشد گلهان میکنم فایده اش بیشتر باشد. يك علت دیگر هم برای کشتن بزه این است که میش غالباً دو تا میزاید و آنکه گله دارد اصولاً بیش از یکیش را نمیتواند نگاه دارد بواسطه اینکه اگر ببرد اینها بخواد شیر بدهد تا بزرگ شوند از يك طرف از دوغن و سایر فوایدش محروم میماند و از طرف دیگر شاید از عهده بر نمی آید برای نگهداریش. یکی از علل دیگر گاهی میشود که میش ضعیف است اصلاً نمیتواند بآن بچه خودش شیر بدهد در اینصورت صاحبش مجبور میشود این را ذبح کند و پوستش را بفروشد. البته آقايان اطلاع دارند که این گله دارها که هر کدامش اصولاً ده یا بیست یا سی تا غالباً کوفند دارند يك محلی دارند و دارای استعداد معینی هستند بجهت نگاهداری بزه و بیش از استعداد خودشان بزه را نمیتواند نگاه بدارند. از این جهت است که مجبور میشوند آن بزه زیادی یعنی آن اندازه که از مقدار استعدادشان زیادتر است بکشند يك عرض دیگر هم بکنم؟

بعضی از نمایندگان - خیر

(خنده نمایندگان)

کازرونی - آقایان اگر گرسنه نان است بنده هم صحبت بزه میدارم. میدانم گرسنه نان است اما صحبت بزه است عیب ندارد بکفندی حوصله بکنید وصف الشئی خودش

یک نفر از نمایندگان - نصف الشئی

کازرونی - بزه هائی که برای پوستش میکشند آقایان بهتر از بنده اطلاع دارند که بایستی با موقع ولادتش کشت یا بعد از سه روز. اگر بکماه شد یا بیشتر پوستش آن پوستی نیست که برای تجارت بدرد بخورد پس صاحبش اگر او را میکشد البته بجهتیه است که مجبور است. مثل این بزه هائی که در بازار است اینها بزه هائی نیست که برای پوستش کشته باشند صاحبش مجبور بوده است او را بکشد. بعلاوه آقا يك مطلب دیگر هست که ما باید

بذل مساعی بکنیم بجهت ازدیاد صادرات مان نه این که هر ساعت در تحت يك مسائل فروغی این اصل مسلم واجب الاحترام را از دست بدهیم. مملکت بایستی صادرات داشته باشد. يك نظری بکنید ببینید صادرات از این حیث چقدر است که شما در تحت این عنوان جلو این صادره را هم میخواهید بگیرید!! در هر صورت بنده عقیده ام این است که وزارت مالیه در این موضوع اشتباه باشد و بایستی بزه آزاد باشد.

یک نفر از نمایندگان - معاف باشد

کازرونی - بله معاف باشد. کاملاً معاف باشد

مخبر - اینجا گمان میکنم آقای کازرونی اساساً اشتباه فرمودند و روی اشتباه يك استدلال فرمودند. اصل این قضیه هیچ موضوع نداشت بجهت اینکه اگر بزه کشی برای پوست باشد در دهات و ایلات است. اگر بزه کشی

قانون

واگذاری قراولخانه ها و اراضی باثربه و دائره دولتی مورد استفاده شهرها ببلدیه های محل

مصوب ۱۶ بهمن ماه ۱۳۰۷ شمسی

ماده واحده - دولت مجاز است املاك دولتی ذیل را در هر شهری در صورتیکه برای احتیاج دوائر خود لازم نداند با اطلاع وزارت مالیه ببلدیه همان شهر واگذار نماید:

قراولخانه ها - سرباز خانه ها - میدانها - اراضی دائره و باثربه - قلعه های مخروبه - باغات - بیوانات - راهدارخانه های حومه شهر - اراضی حريم دارالحکومه ها - قنوات باثربه دولتی که ممکن است مورد استفاده شهر ها واقع شود

بلدیه ها هر قدر از محل های مزبور را برای خیابانهای جدید و مؤسسات بلدی لازمست نگاهداشته و منقعی را با اطلاع وزارت مالیه بمزایده فروخته و وجه حاصله را منحصراً بمصرف تأسیسات عام المنفعه همان محل خواهند رسانید تبصره - خندقها و خاکریز و حريم و حصار شهرها که مورد استفاده نظامی نیست و تا موقع تصویب اینقانون بنائی در آن نشده و در تصرف فعلی اشخاص نیست متعلق ببلدیه ها و می توانند فروخته و بمصرف تأسیسات عام المنفعه رسانند

اینقانون که مشتمل بر یکماده است در جلسه شانزدهم بهمن ماه یکم هزار و سیصد و هفت شمسی بتصویب مجلس

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

شورای ملی رسید